

مقاله

معلم همه چیز خود را هیچ می کند تا هیچ همه ، همه چیز شود.

مقاله ای که به محضر گرامی شما تقدیم می شود ، مقاله ای جامع است که از معلم و پایگاه اجتماعی اش سخن ها خواهند راند.

این مقاله ، یک مقاله تخصصی مربوط به معلمان نیست و هر کس که روزگاری را با معلم در اتاقی به نام کلاس خلاصه کرده است و از معلم چیزی اموخته حتما این مقاله را مطالعه کند .

تمام فرزندان یک سرزمین که در فردایی نه چندان دور عنان مملکت را به دست خواهند گرفت ، حروف الفبا را با کمک این معلم خوانده اند و نوشته اند. معلمی که روزگاری با یک قالب گچ مسیر های صحیح و روشن زندگی را در دل صفحه ای تاریک می شکافند . کلاس در س صحنه ای شکوهمند است که خبر از حرکت و حیات می دهد . در کلاس درس طبیعت بی جان با طبیعت آدمی در هم می آمیزند و مجموعه ای شگرف و شاهکاری هنری می آفرینند که ظیر ان در هیچ نقطه ای از جهان دیده نمی شود . بخش اعظم این شاهکار را گچی سفید که روزگاری در دل کوه پر عظمت و استوار بوده و تابلوی سیاهی که از درختی سبز و بانشاط ساخته شده است تشکیل می دهد . وقتی معلم گچ سفید را در دست میگیرد. عظمت و استواری کوه را به ارث می برد و وقتی گچ سفید را بر تابلو می کشد ، عظمت کوه با زیبایی درختان در هم می آمیزد . پس معلم پر شکوه ترین تصویر حک شونده بر پرده بی جان زندگی انسان ها را خلق می کند. معلم صورتگر بزرگ پرده های معنادار زندگی ، هر روز پرده ای پر شکوه تر را جلوی چشمان کوچک مردان بزرگ فردای مملکت ترسیم می کند تا فرزندان دوست داشتنی خاکش بخوبی بوی امید به زندگی و زنده بودن را استشمام کنند و حس غریب و مبهم و پیچیده ی زندگی را زیر انگشتان نحیفشان احساس کنند . او هر روز با شوق به کلاس درس قدم می گذارد به امید آنکه فردا این چشمان و انگشتان کوچک دست به کارهای بزرگ و تکان دهنده بزنند. او خوب می داند که حال و آینده ی مملکت در همین کلاس خلاصه می شود . حال و آینده مملکت یعنی تابلو ، گچ سفید ، معلم و کوچک مردانی که بر میز های تخته ای و مندرس کلاس تکیه زده اند. برای معلم دقیقه دقیقه و ثانیه ثانیه کلاس درس یعنی ایامه مملکت . پس او می کوشد تا از همه لحظات برای آموختن رازی جدید سود جوید . تا فردا این مردان کوچک ، بزرگ اندیشه شوند. و بازوی فکرشان انرژی گرداندن چرخ های عظیم اقتصادی مملکت را داشته باشند. تعامل معلم و شاگرد امروز یعنی اقتصاد سالم ، سیاست قوی و اجتماع منسجم فردا . وقتی به این نتیجه می رسیم که یک معلم همه چیز یک مملکت است ، اینگونه سوال ها به ذهن مخاطب خطور می کند .

معلمی که همه چیز یک مملکت است جایگاه واقعی اش کجاست؟ آیا پایگاه اجتماعی کنونی شایسته او است؟ همانطور که گفتیم معلم حال و آینده روشن یک مملکت است . وودش یعنی وجود آینده و فردای روشن . پس شخصی با این عظمت و اوصاف باید در جامعه بالاترین جایگاه داشته باشد. بالاترین پایگاه و جایگاه اجتماعی شایسته معلم است. وقتی یک معلم جایگاه واقعی خود که بالاترین جایگاه اجتماعی است دست پیدا کند ، پیشرفت ها یکی پس از دیگری حاصل می شود، لشکر اقتصاد و سیاست یک مملکت مقتدرانه مانند سیلی طغیانگر رو به جلو حرکت کند و صاحب تکنولوژی برتر دنیا می شود و تکنولوژی کشور های پیشرفته ی گذشته را تحقیر می کند. تا کنون با خود فکر کرده اید که چرا ژاپن ان کشور کوچک و ناشناخته یک باره مانند غولی قدرتمند سر در آسمان تکنولوژی روز دنیا در می آورد و به یکی از کشور های پیشرفته و قطب های بزرگ صنعتی دنیا مبدل میگردد. جواب این مه پرسش طولانی در جمله ای کوتاه نهفته است . که مردم ژاپن باور کردند که معلم سمبل زندگی است . سمبل انکار ناپذیر زندگی . تا آنجا که در کشور ژاپن جلسه های هیئت دولت در وزارتخانه آموزشو پرورش برگزار می شود و همگی به دور وزیر آموزش و پرورش گرد می آیند.

سعید مسلمی

سردبیر لزاگ